بیمارستان های دوره آل بویه

رقیه السادات عظیمی*

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

چکیده

پزشکی از جمله علومی است که تحت تعالیم عالیه اسلام در قرن اول تا سوم با حضور پزشکان جندی‌شاپور و حمایت تنی چند از خلفای عباسی رشد چشمگیری یافت و سپس با قدرت‌گیری آل‌بویه و دست‌یابی بر بخشهای غربی به خصوص بغداد، پایتخت جهان اسلام، روند این تحولات شتاب بیشتری یافت.

بر همین اساس شناخت جایگاه پزشکی در زمان آل بویه به عنوان حلقه استمرار پیوند دانش پزشکی پیش از اسلام به دوران اسلامی از اهمیت به سزایی برخوردار است؛به همین جهت هدف از این مطالعه بررسی بیمارستانهای دوره آل بویه می باشد.

نتایج تحقیق، بیانگر آن است که، حمایتهای بی دریغ امرای آل بویه بخصوص عضدالدوله موجبات ارتقای سطح بهداشت و درمان جامعه را به همراه داشته‌است. پیامد عوامل فوق، جذب دانشمندان و پزشکان برجسته‌ای بود که بدون توجه به مشکلات گوناگون، به بهترین وجه به امر پزشکی و حتی انتقال اطلاعات طبی خود از طریق تهیه کتاب و حفظ آنها به صورت تالیف، ترجمه چنان کارنامه درخشانی از خود به جای گذاشتند که به جرات می‌توان این گونه نتیجه گیری کرد که حاصل تجربیات آنان پایه و اساس تمدن پزشکی غرب بوده است.

واژگان کلیدی: آل‌بویه، بیمارستان، بغداد، پزشکی، عضدالدوله.

تاریخ دریافت: تیر ۹۱
تاریخ پذیرش: شهریور ۹۱

مقدمه:

طی دوران حکومت آل بویه، پزشکی به صورت شگفت-انگیزی پیشرفت کرد، تحقیق و مطالعه جنبه جدیتر و دقیقتری به خود گرفت و به جای رساله‌های کوتاه علمی دایره-المعارفهای جامع پزشکی به وسیله مسلمانان تالیف شد. تحقیقهای تجربی و مطالعات بالینی هم از نظر دور نماند، از یک سو بیماریهای منطقه‌ای و محلی مورد بررسی قرار گرفت و از سوی دیگر بهداشت تن و روان را مورد مطالعه قرار دادند و در کنار این موارد، عملکرد جداگانه هریک از اندامها را مورد بررسی قرار دادند و از جهتی نیز در فنون درمانی و داروسازی به کشفیات تازه‌ای دست یافتند. دولت مردان آل بویه همچنین از ساخت بیمارستان نیز غافل نمانده و در شهرهای مهمی چون بغداد، اصفهان و شیراز مراکز درمانی که ضمن درمان بیماران، مراکزی برای تحقیق و مطالعه پزشکان به شمار می‌رفته‌اند را پایه‌گذاری کردند. حاصل این فعالیتها تدوین کتابهای متعدد پزشکی بود.

با توجه به این که پزشکی دوران آل بویه یک دوره اوج و شکوه از تاریخ پزشکی اسلامی است، می‌تواند به عنوان منبع غنی دانش مورد بهره برداری قرار گیرد. البته این را هم باید دانست، که هیچ‌گاه علومی که در دسترس ما هستند به یکباره ساخته و پرداخته نشده، بلکه گذشتگان با امکانات بسیار اندک خود در هر دوره ای جزیی بر آن افزودند، تا سازمان امروزی

* فرد مسئول مکاتبات: azimi_hist@yahoo.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

آن شکل گیرد چاره‌ای نیست جز برای دانستن ارزش این سازمان علمی به گذشته رجوع کرد، عقاید جدید و قدیم را با هم مقایسه کرد. هدف این مقاله بررسی فراز و نشیبهای علم پزشکی در دوره آل بویه با تکیه بر منابع اصلی است و تلاش می‌نماید تا گامی هر چند کوتاه در شکل گیری ارتباط بین گذشته و حال این علم برداشته شود.

مطالب این مقاله با عنوان، **بیمارستان در دوره آل‌بویه**، شامل زیرمجموعه‌هایی چون بیمارستان‌عضدی، شیراز، اصفهان، بیمارستان سیار و تیمارستان می‌گردد، مطلب آخر این مقاله پس از پرداختن به تشکیلات و ساختار بیمارستانها به نتیجه گیری می‌پردازد.

در جریان این مطالعه بزرگترین مشکل، کمبود تعداد منابع در حوزه پزشکی قرون اولیه اسلامی بود، چرا که بیشتر منابع دست اول به اوضاع سیاسی پرداخته و از بررسی مباحث پزشکی، بهداشت و درمان دوره آل بویه غافل مانده‌اند، به همین خاطر، اطلاعات بسیار ناچیزی از بیماری و سطح بهداشت مردم در محدوده مورد بحث وجود دارد.

روش بررسی:

پزشکی در قرن چهارم هجری به دلیل عنایت حاکمان آل-بویه و برقراری یک دوره آرامش نسبی، به شکوفایی قابل توجهی دست یافت. سرزمینهای غربی ایران بخصوص بغداد، اصفهان وشیراز و ری که اصلیترین مراکز تحت حکومت آل-بویه بودند، به مراکز مهمی برای گسترش فعالیت پزشکی و بهداشتی، ساخت و تجهیز بیمارستان تبدیل شدند. در این میان بغداد به عنوان پایتخت جهان اسلام در شکل‌گیری این مراکز، جذب دانشمندان و طبیبان نقش مهمتری ایفا می‌کرد. حضور پزشکانی که از سراسر جهان اسلام راهی بغداد می‌شدند در کنار تشویقی که از سوی امرا بخصوص عضدالدوله نسبت به آنان به عمل می‌آمد، پیشرفت علم پزشکی را صد چندان می-کرد.

این علاقه و عنایت زایدالوصفی که برای ترویج علم و فرهنگ و ارتقای مقام هنرمندان و دانشمندان در این دوره می-شد به همت حکام و بزرگان آل‌بویه شکل گرفت و نهایتاً در امر بهداشت و درمان و احداث مراکز درمانی گوی سبقت را از اعصار دیگر ربود و پزشکان بزرگی چون علی بن عباس مجوسی، ابن سینا و غیره را پرورش داد.

بیمارستان در دوره آل بویه

مهمترین مراکز آموزش پزشکی، تحقیق در آموزش پزشکی، بیمارستانها بودند. زمانی که در جهان اسلام بیمارستانها و آموزشگاههایی با روش جندی‌شاپور پای گرفت، کلمه بیمارستان یا مخفف آن مارستان (۱) نیز از زبان فارسی وارد فرهنگ عرب گردید.

نخستین موسسه درمانی در بلاد اسلام، در سال ۸۸ (هـ‌ق) در دمشق به امر ولید بن عبدالملک اموی(۲) برای جمع آوری دیوانگان ساخته شد. بودجه این مرکز توسط دولت تعیین می-شد، تا انقراض دولت اموی، این مرکز درمانی که نمی‌توان آن را بیمارستان نامید، در جهان اسلام منحصر به فرد بود.

منصور نخستین خلیفه عباسی پایه‌گذار ورود اطبای جندی-شاپور به بغداد، بیمارستانی تاسیس نکرد، فقط نوانخانه‌هایی برای کوران و پیرزنان دایر کرد (۳) و جرجی زیدان احتمال می‌دهد که منصور یا جانشین او، تیمارستانی را نیز در بغداد تاسیس کرده باشند. (۳)

اولین ساختمان بهداشتی درمانی که می‌توان آن را بیمارستان نام نهاد، به دستور هارون الرشید(٤) به سبک بیمارستان جندی‌شاپور به سال ۱۹۵ (هـ‌ق) توسط جبرئیل ابن بختیشوع ساخته شد. ریاست آن به عهده جبرئیل قرار گرفت و اطبایی چون ماسویه پزشک را نیز برای کاردرآنجا انتخاب کردند. (۵)، دومین بیمارستان توسط برمکیان و به ریاست ابن‌دهن پزشک هندی در بغداد ساخته شد مورد استفاده عموم قرار گرفت. (۳)

بیمارستان سیده، یکی دیگر از بیمارستانهای دوران خلافت عباسی است که توسط مادر مقتدر خلیفه عباسی معروف به سیده در سال ۳۰٦ (هـ‌ق) افتتاح گردید. مخارج آن در سال، هفت هزار دینار بود. (٦)، در دوره‌های بعد ساخت بیمارستان توسعه زیادی یافت، آدام متز در کتاب خود آورده است که به اشارت سنان در سال ۳۲۹ (هـ‌ق) بیمارستان نوینی در تپه

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

زیبایی بر کناره غربی دجله تاسیس شد که سومین بیمارستان بغداد و محل سابق کاخ هارون الرشید بود. (۷)

خلیفه مقتدر باللّه نیز به توصیه سنان‌بن ثابت در محله باب-الشام بغداد، بیمارستان المقتدری را تاسیس کرد و ماهانه دویست دینار به آن اختصاص داد. (٦)، دیگر از افرادی که در امر ساخت بیمارستان نقش بسزایی داشتند، علی بن عیسی بود که با خرج خود بیمارستانی در بغداد بنا کرد، علاوه بر آن، وی به وضع بیمارستانها و مقررات مربوط به آن نیز سرو سامان بخشید. (۸)

لازم به ذکر است که خلفای عباسی دردوره اول خلافت، علاوه بر تاسیس مدارس پزشکی و راه اندازی بیمارستانها، به برگزاری سمینارهای پزشکی در موسم حج نیز اهتمام می-ورزیدند. در این سمینارها دانشمندان با ارائه تحقیقهای خود در زمینه‌های پزشکی و گیاهان دارویی به تبادل نیز می‌پرداختند. (۹)

حاکمان آل بویه نیز از این قافله علم عقب نماندند، برای اولین بار، معزالدوله در سال ۳۵۵ (هـ‌ق) بیمارستانی را کنار پل، برپا ساخت و اوقاف واملاکی با درآمد سالانه پنج هزار دینار برای آن معین کرد. (۷)، محل آن، زندان بغداد معروف به زندان جدید بود؛ البته معزالدوله قبل از اتمام بنای آن، وفات یافت. (۵)

بیمارستان عضدی

با وجود بیمارستانهای متعدد، بغداد هنوز از لحاظ وسعت شهر و کثرت نفوس، به بیمارستان دیگری احتیاج داشت. لذا در زمان فرمانروایی آل بویه، عضدالدوله امر داد برای رفع این ضرورت بیمارستانی بنا کنند. این بیمارستان در سده چهارم هجری، در سال۳۷۲ (هـ‌ق) (۱۰) در جانب غربی و در آباد-ترین بخش این شهر یعنی ربیع و کرخ، درپهلوی غربی پل باب الطاق(۱۱)گشایش یافت. بیمارستان را به نام عضدالدوله بیمارستان عضدی خواندند.

عده‌ای معتقدند که عضدالدوله سعی در تجدید بنا و تعمیر بیمارستان بغداد را داشت در خصوص مکان ساخت بیمارستان نظرات متعدد بیان شده‌است،که ظاهراً در گذشته تحت نظر محمد بن زکریای رازی بنا شده بود و بعد از این تجدید بنا، به نام وی بیمارستان عضدی خوانده شد. (۱۲)، آدام‌متز نیز معتقد است عضدالدوله بر بنای بیمارستان هارون‌الرشید بیمارستان خود را بنا کرد. (۷)، هزینه و مصارف این بیمارستان از درآمد دولت که توسط عضدالدوله وقف گردیده‌بود (۱۳) تامین می‌گردید.

در آن پزشکان و معالجها و خزانه‌دارها و دربانها و وکلا و بازرسانی را به کار گماشته شد و برای آن دارو و نوشیدنی و دیگر وسایل را نیز فراهم کرد. (۱۰)، بیمارستان دارای داروخانه‌ای بود که کلیه داروهای لازم را از اقصی نقاط در آنجا گرد آورده بودند. (١٤)

در اطراف بیمارستان عضدی حدود صد دکان آباد قرار داشت. به بیماران لحاف و تشک داده می‌شد. دلاک، آشپز و دربان در آنجا مشغول خدمت بودند و باغی جنب بیمارستان قرار داشت که میوه‌های آن به مصرف بیماران می‌رسید. (۵)، در این بیمارستان مانند دیگر بیمارستانهای زمان خود، معالجه بیماران هم به صورت سرپایی و هم بستری انجام می‌شد. خدمت کارورزی متداول بود، دفتری هم برای وجوه صدقات وجود داشت. حتی به نظر می‌آید نوعی دستگاه پرستاری هم در آن معمول بوده‌است. (۱۵)، اطبای کشیک شبانه‌هم داشتند. (٤)

رییس بیمارستان را اگر سریانی بود، ساعور می‌نامیدند، واگر مدیر بیمارستان مسلمان بود، او را رییس الاطبا (رییس پزشکان) می‌نامیدند. (۹)، مدیر ارشد داروخانه با عنوان معتبر شیخ صیدلانی خوانده می‌شد، کارمندان پایینتر با عنوان فارسی مهتر نامیده می‌شدند (۸)، آنهایی که کار پست‌تر داشتند، مانند ظرف‌شویان، باربران و دیگر کارکنانی که در داروخانه خدمت-می‌کردندبه‌شرابدار معروف بودند. (۲۷)

هر بیمارستان به دو قسمت تقسیم می‌شد، قسمتی مخصوص معالجه زنان و قسمت دیگر مخصوص مردان، این امر از نظر اجرای مقررات شرعی لازم و ضروری بود. (۸)، اغذیه و ادویه هر قسمت نیز جدا و مخصوص به خود بود. (۲)، هریک از بخشهای دوگانه بیمارستان به چندین قسمت کوچکتر تقسیم می‌شده‌است که بستگی به نوع بیماریها داشت،

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

مانند انواع بیماریها، سرماخوردگیها، جراحات(۹) بزرگترین سالن بیمارستان برای خواباندن بیماران عمومی به‌کار می‌رفت که آن هم به اتاقهای جداگانه‌ای تقسیم می‌شد تا این‌گونه بیماران تب‌دار، بیماران روانی و مبتلایان به سرما خوردگی از هم جدا باشند. (۸)

اتاقهای دیگر نیز در بیمارستان وجود داشت که مخصوص اعمال جراحی، بیماریهای چشم و کارهای شکسته‌بندی بوده-است(۸)، نکته قابل توجه این که در بیمارستانها معمولاً به مسلمان و ذمی یکسان رسیدگی می‌شد. (۷)،

فهرستی از صورت رژیم‌های غذایی و داروهای مورد استفاده در بیمارستان عضدی در یک اثر خطی که در موزه بریتانیا موجود است یافت شده‌است. (۸)، امید است که در آینده‌ای نزدیک اطلاعات کاملتری از این بیمارستان عظیم که مدتها یکی از مراکز بزرگ درمان بیماران و تدریس علم طب برای طلاب و علاقه مندان علم طب بود بدست آید. در تمامی بیمارستانهای این دوره، ازجمله بیمارستان عضدی، داروسازان، دندانسازها و عموم پزشکان تحت نظر بهداری کل بودند و از هر پزشکی که می‌خواست شروع به کار کند امتحان مخصوصی به عمل می‌آمد. (۱۶)، در کنار تمام این تجهیزات، حاذقترین پزشکان آن زمان نیز برای تصدی و اداره آن معین گردیدند، ابن ابی اصیبعه تعداد اولیه آن را بیست و چهار طبیب دانسته است. (۶)

در بین این بیست وچهار پزشک تخصصهای مختلف قرار داشت، از جمله کحالانی(چشم پزشکان) مانند ابونصر دحلی، جراحانی چون ابوالخیر و ابوالحسن بن نفاح(۶) جراح شکسته‌بند چون ابوالصلت(۶) از دیگر طبیبان معروف این بیمارستان جبرئیل طبیب مخصوص عضدالدوله در شیراز بود(۱۷) که به ریاست بیمارستان برگزیده شد. ابن‌مندویه از اصفهان، ابوالحسن علی‌ابراهیم ابن بکس که کارش اغلب تعلیم طب به افراد فاقد شرایط بوده، ابوالحسین علی‌بن‌کشکرایا، ابو-یعقوب‌اهوازی، القس‌الرومی، بنوحسنون، ابوعیسی‌بقیه بودند(۶) علاوه بر پزشکان متخصص، تعداد زیادی پزشک عمومی هم در استخدام بیمارستان درآمدند. درباره تعداد کل پزشکان، منابع موجود از لحاظ ارائه ارقام واقعی فقیر است، اما زمانی که از بیمارستانی به این عظمت متخصصینی از نقاط مختلف استخدام می‌گردد مطمئناً از نظر کارکنان هم تامین هستند، اما تاریخ ارقام دقیقی در اختیار قرار نداده است.

بیمارستانها علاوه بر رسیدگی به امر بهداشت افراد، مهمترین مکانی برای تدریس طب نیز محسوب می‌گردید. (۱۸)، در همین راستا در این بیمارستان، بخشی برای تدریس استادان و حضور دانشجویان در نظر گرفته شده بود (۹)، چنان که ابوالحسن علی بن ابراهیم بکس از جمله اطبایی بود که توسط عضدالدوله جهت تدریس علم طب استخدام گردید. دانشجویان پزشکی هم موظف بودند قسمت زیادی از تحصیلات پزشکی خود را در بیمارستانها بگذرانند و از همان ابتدا در بیمارستان و کنار بیمار با کسب تجربیات روزانه، با عمل پزشکی آشنا گردند. آنان برای این کار حقوق و مقرری دریافت می‌کردند. (۲)، حضور در بیمارستان برای اطبای دوره آل بویه چنان اهمیت داشت که علی بن عباس مجوسی در این خصوص بیان داشته که قسمت اعظم ترقیات او در علم طب از راه تجربه و معالجات در مریض‌خانه‌ها حاصل شده است نه از راه مطالعه کتابها. (۱۹)، در بیمارستان علاوه بر طب، داروسازی نیز تدریس می‌شد و شاگردان علاوه بر تحصیل علمی، تمرین عملی نیز داشتند. (۳)

پس از فوت عضدالدوله شکوه اولیه بیمارستان از بین نرفت و اشتغال در آن تا مدتها جزیی از شهرت طبیبان عصر به شمار می‌رفت. بیمارستان تا چند قرن بعد از عضدالدوله برپا بود. ابن جبیر در سال ۵۸۰ هجری بیمارستان را دیده و آن را این گونه وصف می‌نماید: بین شارع و دروازه بصره بازار بیمارستان قرار دارد که خود شهرکی است و بیمارستان مشهور بغداد در این محله واقع شده است، این بیمارستان بر ساحل دجله است و هر روز دوشنبه و پنج‌شنبه پزشکان بدان سرکشی می‌کنند و از احوال بیماران آگاه می‌شوند و آنچه را بیماران نیاز دارند برای آنان آماده می‌کنند و پرستارانی نزد ایشانند که به پختن غذاها و آماده‌سازی داروها مشغولند. بیمارستان کاخی بزرگ شامل اتاقها و کوشکهای متعدد و تمام لوازم و سامانهای خانه‌های شاهی است و آب دجله بدان وارد شود. (۲۰)

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

این بیمارستان حتی تا زمان حمله مغولان در سال ٦٥٦ ه.ق نیز پا بر جا بود. جوینی در جهانگشای خود هنگام روایت تاریخ جنگ بیان می‌دارد که "آغاز جنگ از آن طرف که بیمارستان عضدی است، صورت گرفت"(٢١) این امر بیانگر فعال بودن بیمارستان است. عاقبت ابن خلکان بیمارستان عضدی را در نیمه دوم قرن هفتم که عمر درازی را از زمان تاسیس سپری کرده، در نهایت عظمت طوری وصف می‌نماید که در نظم و ترتیب در دنیا نظیر ندارد :"لیس فی الدنیامثل ترتیبه، و فرع من بنائه سنه ثمان و ستین و ثلاثمائه و اعد له من الالات ما یقصر الشرح عن وصفه". از حیث وسعت و عظمت و خوبی بنا و نیز مجهز بودن به تمام اسباب و آلات در تمام دنیا، بیمارستانی نظیر آن نبوده است؛ آلات و وسایل کار به اندازه‌ای در آن فراهم کرد که قلم از وصفش عاجز است او برای ساخت آن مال بسیاری خرج کرده بود"(٢٢) ظاهراً بیمارستان در دوران مغول آسیب فراوان دیده است، چرا که ابن‌بطوطه در نیمه اول قرن هشتم از ویرانه های باقی مانده آن که چون کاخی بزرگ در بخش غربی بغداد و در محله باب البصره است یاد می‌کند. (٢٣)

بیمارستان شیراز

علاوه بر بیمارستان عضدی در بغداد، عضدالدوله در شیراز نیز بیمارستانی ساخته‌بود که قدمتش بیش از بیمارستان بغداد بود. این بیمارستان در قسمتی از دانشگاهی قرار داشت که در آن فلسفه، نجوم، طب، شیمی و ریاضیات تدریس می‌شد (٨)، مقدسی از آن این گونه یاد کرده‌است: بیمارستان شیراز از مسجد جامع دور و بیمارستانی مجهز است و پزشکان و پرستاران ماهر و مواجب بگیرانی دارد که مانند آن را در هیچ جا دیده نشد (٢٤)، این مکان با آنکه در زمان ابن‌بلخی مولف فارسنامه حدود٥١٠ – (هـق) برپا بوده اما ظاهراً دچار آسیب شده‌بود، که فقط "دارالکتب" آن نیکو مانده بود. (٢٥)

به احتمال قوی، بیمارستان عضدی شیراز بعد از آسیبی که ابن بلخی از آن ذکر می‌کند، مجدداً آباد گردید. زرکوب شیرازی مولف شیرازنامه در سال٧٣٤ (هـق) از آبادانی دارالشفای عضدی نام می‌برد (٢٦) و در ادامه بیان می‌کند که آن بیمارستان را عضدالدوله "در نفس شیراز از غایت غمخواری مسلمانان بنا فرمود و بسیاری از مواضع ملکی خود بر آنجا وقف کرد".(٢٦)

بیمارستان اصفهان

در همان روزگار که شاخه‌ای از آل بویه بر اصفهان و ری نیز حکمروایی می‌کردند، بیمارستان معتبری در پایتخت آنان یعنی اصفهان برپا بود. ظاهراً اطلاع زیادی ازآن در دست نیست. برای اولین بار، مقدّسی از این بیمارستان نام می‌برد، او ضمن شرح بیمارستان عضدی در شیراز آن را همانند بیمارستان اصفهان یاد کرده و گفته است: بیمارستان شیراز همانند بیمارستان اصفهان است، البته بیمارستان اصفهان آبادتر از بیمارستان شیراز است (٢٦)، بار دیگر ابن‌ابی اصیبعه از بیمارستان اصفهان نام می‌برد که ابن مندویه در آن جا به درمان بیماران مشغول بود. (٦)، احتمال می‌رود بیمارستان اصفهان، قبل از بیمارستان عضدی بغداد، کم و بیش هم زمان با بیمارستان شیراز احداث گردیده باشد. از آنجایی که اصفهان، یکی از پایتختهای سه‌گانه دیلمیان، بوده است می‌توان نتیجه گرفت این بیمارستان نیز در روزگار آل بویه به بهره برداری رسیده باشد.

بیمارستان سیّار

علاوه بر بیمارستانهای ثابت، گاهی اکیپ‌های درمانی سیّار نیز به وجود می‌آمد که به شهرها و روستاها اعزام می‌شد تا اطبایی همراه با داروهای لازم به دهات و آبادی‌های دور و نزدیک بروند و بیمارانی را که به بیمارستانها و طبیبهای شهر دسترسی ندارند مورد مداوا قرار دهند. این کار برای اولین بار به دستور علی‌بن‌عیسی وزیر مقتدر صورت گرفت. سنان‌بن-ثابت که مدتی از عمر خود را به صورت یک پزشک سیار گذرانده‌بود(٨) سرپرست این برنامه بود.

سنان به همکاران خود دستور داده بود که با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند به مناطقی که انواع بیماریها و آفتهای گوناگون شایع است، حرکت کنند. (٢٧)، به احتمال زیاد این امر در زمان آل بویه نیز ادامه یافته است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

بیمارستانهای سیار در هنگام جنگ سپاهیان را نیز همراهی می کرد، که باید از حضور پزشکانی چون ابوالعلای فارسی در سپاه عضدالدوله در هنگام جنگی نام برد که تب و نوبه در سپاه بیداد می‌کرد. تعدادی از سپاهیان از این بیماری در گذشتند؛ عاقبت وی توانست طریقه درمان تب ونوبه را دریابد"(۲۸)

تیمارستان

عضدالدوله بجز بیمارستان بغداد، تیمارستان(دارالشفایی) نیزساخت که به معالجه دیوانگان می پرداخت. (۲۹)، در تاریخ گزیده آمده‌است که: "چون دارالشفای بغداد تمام شد، عضدالدوله به تماشای آن رفت، دیوانه‌ای بر بند بود با عضدالدوله گفت: ای امیر اگر نه همه کارهای شما باشگونه است دیوانه تویی، بر من بند حرامست. عضدالدوله گفت: در چه دیوانگی دیدی؛ دیوانه گفت، اول آنکه مال از عاقلان می-ستانی و بر دیوانگان صرف می‌کنی دوم آنکه، شفا دادن به امر خداست تعالی و تقدس و تو دارالشفا می‌سازی و خود را شفا رساننده می‌پنداری، برتر ازین دیوانگی چه باشد"(۳۰).

نتیجه‌گیری:

با ورود آل بویه به عرصه سیاست و اعمال نفوذ در دستگاه خلافت، فضای نسبتاً مناسبی بوجود آمد و پزشکان توانستند به کارهای علمی رو آوردند، عواملی چند سبب شد تا ساخت بیمارستان در دوره آل بویه در نقطه اوج خود قرار گیرد: اولین علّت آن را باید علاقه و اهتمام امرای آل بویه به علوم بخصوص علم پزشکی دانست، چنان که معزالدوله به عنوان اولین قدم در پیشبرد علمی جامعه، اقدام به ساخت بیمارستان در بغداد کرد. رفتار دور از تعصب مذهبی امرای آل بویه با پیروان سایر ادیان، عامل دیگر پیشرفت دانش و شکوفایی در حکومت آل بویه بود. چنان که اهل ذمه با احترام در میان مسلمان زندگی می‌کردند و بعضی از آنان هم توسط امیران بویه به مقامات بالا می‌رسیدند. تعداد زیادی پزشک نیز بودند که تحت حمایت امرای بویه قرار گرفته و هیچ گاه به علت اهل ذمه بودن طرد نشدند. این تسامح مذهبی چنان در جامعه مورد قبول قرار گرفته بود که در زمان مرگ ابراهیم بن هلال دانشمند مسیحی، شریف بزرگوار سید رضی برای او مرثیه خواند.

توجه به امور رفاهی، عمران و آبادانی سرزمین تحت تابعیت آل بویه را نیز نباید از نظر دور داشت، چرا که برای رشد پایه علمی یک جامعه، امنیت حرف اول را می‌زند، همچنین علاقه امرای این خاندان به علم و دانش و احترام زایدالوصفی آنان به طبقه دانشمندان و تشکیل مجالس بحث و مناظره، حضور تمامی فرقه‌های مسلمان و غیر مسلمان علم و ادب در این مجالس علمی، به جذب علما و دانشمندان در این دوره ختم گردید. تمامی این عوامل دست به دست هم داده و یک دوره طلایی در تاریخ طب سنتی ایران بوجود آورد.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

REFERENCE:

1. Zabihollah Safa: Perspective of Iranian culture and its international influence . Helmand, Tehran, page: 85, 1375.
2. Ghorbani lahiji, zeinolabedin: History of Islamic culture and civilization. Office of Islamic Culture Publication, page: 196, B.
3. Zidan, Jorji: Islamic civilization. Translation: Javaherkalam, Ali. Amirkabir, Tehran.pp:610, 608, 1379.
4. Zarrinkoob ,Abdolhossein : Islam repertoire. Amirkabir, Tehran.pp: 57,58,1369
5. Najmabadi,Mahmoud: The medical history of Islam(Until the advent of Islam Mughal era). Institute of Tehran University Publications and Printing, Tehran.pp775,769,778,1375.
6. Ibn Abi Osaibeh Ahmad-Ibn Ghasem: Oyun Al;-Anba Fi Tabaghat Al-Ateba, Volume 1, Frankfvrd Germany.pp222,310. 1416 AH.
7. Metz, Adam: Islamic civilization in the fourth century Or the Islamic Renaissance. Volume 2. Translation: Gharagozlou, Alireza Zekavati. Amirkabir , Tehran. Pp: 58, 420,. 1364.
8. Elgood ,Cyril: A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate. Translation: Baher Forghani. Amirkabir , Tehran. Pp:157, 202, 206, 210,211. 1386 .
9. Maki, M. K.: Islamic Civilization in the Abbasid era. Translation: Sepehri, Mohammad,Samt . Tehran., P: 131, 352 ,354. 1383.
10. Ibn Jozi, Almntzm: Web Virtual Library of the Academy of Medical Sciences. page :1388.
11. MUQADDAS,Abu Abdullah Muhammad ibn Ahmad: Ahsan at Taghasim fi Ma'rifat al Aqalim Translation: Alinaghi MONZAVI, , Company Authors and translators in Iran. Tehran ,Page: 166. 1361.
12. Khezri, Ahmadreza: From the beginning to the end of the Abbasid caliphate Buwayhid. Samt, Tehran. Page, 165.1378.
13. Zahirodin Alrvzravry, Muhammad ibn al-Husayn Llvzyr Abbey shoja: The book follows the Tajarib al-Umam, The third component, Human Mtbth Altmdn Al-Sinaa, Egypt. Page: 69, 1334.
14. Ibn Albry, Ahron Ghryghvryvs Mkhtsraldvl history,. Translation: Taj Pur, Muhammad Ali and H. doctor Reyazi,Etlaat, Tehran.page: 238, 1364.
15. Arberry, A. G and thirteen East experts: Iran Heritage, translate: Birashk, Ahmad and others, Translation agency Nshrktab, Tehran,page: 462.1336.
16. Arnold, Sr tmas, Alfred Guillaume: Heritage of Islam or what the West owes to the United Nations, Translation: Alam, Mustafa. mehr, Tehran. P: 123.
17. Qfty, Jamal al-Din Hasan Ali: History Al-hk ma' to effort Behin Darati, Tehran University Publications and Printing. P. 204, 1347.
18. Will Durant: History of Civilization, translation: Saremi, A. Taleb and others, Volume 4, Part I , Publication of Islamic Education. Page: 315, 1368.
19. Mohadesi, A.: History of Medicine in Buwayhid. Tabriz, p. 62, 1377.
20. Ibn Jubair:Travels of Ibn Jubayr; Translation:Atabaki,parviz, Ed: William Wright. Astan Quds Razavi. Mshhad.page: 276,1370.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]

21. Jovaini, 'Ata Malek 'Ala al-Din _ - Tarikh-e-Jahan Gosha-ye Jovaini . Ed. Mohammad ebn 'Abdolvahab Qazvini,Volume3. Leiden, and London.page: 288. 1355.

22. Ebn-e-Khalakan, Shams al-Din , Vafiyat al-'Ayan. under Abbas,Ehsan, Volume4, Beirut. Pp. 54-55.

23. Ebn-e-Battuteh, Safarnameh-ye Ebn-e-Battuteh ,Translation: Mohammad 'Ali Movahed, Volume1. Sepehr Naghsh, Tehran. Page, 1376

24. MUQADDAS,Abu Abdullah Muhammad ibn Ahmad: Ahsan at Taghasim fi Ma'rifat al Aqalim, effort Mkhzvm, MA. Significant reduction al Altar, Beirut. Page: 329, 1408.

25. Ibn al-Balkhi: Fars Name effort: Guy Lestrange and Alan Nicholson, world - books, Tehran. Pages: 124, 1363.

26. Zrkvb Shirazi: Shahabuddin Ahmad bin Abi al-Khair,Shiraz Nameh. Efforts: Vaez Javadi, Ismail. Iranian Cultural Foundation.Page: 51,1350.

27. Jafari, Y.: In the context of Muslim history. Office of Islamic Culture Publication, Tehran.page: 10, 1371.

28. Savedji, Haj Mirza A. and others.Name Daneshvaran Nasery, Volume 2, Press Institute Daralfkr. Qom. Page:13.

29. Zarrinkoob ,Abdolhossein: The date of the end of the Sasanian Buwayhid, Volume 2, Amirkabir, Tehran. P 436, 1380.

30. Mostaufi, Hamdollah : Tarikh-e-Gozideh, Efforts: Navaei, Abdol-Hossein. Amirkabir, Tehran.pp:415-6, 1362.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-13]